

انگلیسی‌ها زمانی نیروهای خود را از شهرهای جنوبی ایران خارج کردند که توانستند طیف وسیعی از سیاسیون وابسته به خود را در جریان تقلبات انتخاباتی چهاردهمین دوره قانونگذاری ایران به مجلس بفرستند



واقعت تاریخی را درک کرد که حکومت پهلوی به دلیل وابستگی تام و تمام به قدرت‌های سلطه جو بویژه انگلیس در عمل ناچار بود برای باقی ماندن در قدرت تن به هر خفت و خواری بدهد. و از آن مهم‌تر رژیم پهلوی در برابر نادیده گرفتن حقوق مردم ایران نه تنها جرأت اعتراض نداشت بلکه با آن دادن به خواسته‌های آنها به گسترش سلطه قدرت‌ها و کاهش استقلال ایران کمک می‌کرد. زیرا حکومت پهلوی به جای اتکا به مردم ایران برای بقای حکومت خود فقط به حمایت قدرت‌های استعماری انگلیس و آمریکا متکی بود.

کلام آخرا اینکه این پیروزی انقلاب اسلامی بود که بار دیگر عزت را به مردم ایران بازگرداند و آنها توانستند سرنوشت خود را پس از گذشت نزدیک به دو قرن مجدداً به دست گیرند.

درج خبر نشست تهران پس از ۴ روز در روزنامه اطلاعات



شد «به شهروندان استالینگراد با قلب‌های پولادینشان، هدیه‌ای از شاه جورج ششم، به عنوان نشان تکریم مردم بریتانیا از مقاومت مردم شما.»

نقض عهد قدرت‌های اشغالگر پس از پایان جنگ

نشست سران سه کشور بزرگ در تهران در اعلامیه پایانی خود که شامل یک مقدمه، ۹ فصل و ۶ ضمیمه بود، استقلال و تمامیت ارضی ایران را نیز تضمین کردند و تعهد قبلی انگلستان و شوروی را درباره تخلیه ایران در فاصله شش ماه بعد از پایان جنگ مورد تأیید قرار دادند. ولی امضاکندگان این اعلامیه، در عمل چندان پایبندی به تعهد خود راجع به ایران نشان ندادند. بدین معنی که پافشاری انگلیس و شوروی بر کسب امتیازات نفتی از دولت ایران و بخصوص اقدام روس‌ها در منوط ساختن خروج نیروهایشان از ایران به اخذ امتیاز نفتی دریای خزر، نقض آشکار حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ایران و نقض تعهداتشان در اعلامیه یادشده بود.

زمانی که استالین اعلامیه احترام به استقلال و حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ایران را امضا می‌کرد، شهرهای شمالی ایران در اشغال ارتش سرخ بود و وقتی اعتبارنامه سیدجعفر پیشه‌وری نماینده حزب توده در نخستین روزهای کار مجلس چهاردهم رد شد، وی و قاضی محمد به عنوان رهبران دو حزب دموکرات آذربایجان و کردستان با کمک نظامی روس‌ها در دو استان یاد شده، اعلام خودمختاری کردند. روس‌ها تا زمان انعقاد قرارداد تأسیس شرکت مختلط نفت ایران و شوروی ۱۵ فروردین ۱۳۲۵ و تشکیل کابینه ائتلافی با حزب توده در تهران ۱۰ مرداد ۱۳۲۵ حاضر به خروج از ایران نگردیدند.

امریکایی‌ها و انگلیسی‌ها نیز که در نشست تهران، اعلامیه استقلال و حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ایران را امضا کرده بودند، براجتی مایل به خروج از ایران نشدند. به طوری که سه ماه پس از امضای اعلامیه تهران، در اسفند ماه ۱۳۲۲ دو هیأت انگلیسی و امریکایی از جانب شرکت‌های نفتی شوکونی-واکیوم و سینکالر امریکایی و شرکت روبا داچ شل انگلیسی-هلندی به تهران آمدند و هر دو تقاضای امتیاز نفت در نواحی جنوب شرقی ایران را کردند. مذاکرات و حتی حضور نمایندگان مرزور در تهران محرمانه نگاه داشته شده بود و جز چند نفر از مقامات بلند پایه دولت، کسی از مذاکرات ساعد نخست‌وزیر وقت ایران با آنان اطلاعی نداشت. انگلیسی‌ها زمانی نیروهای خود را از شهرهای جنوبی ایران خارج کردند که توانستند طیف وسیعی از سیاسیون وابسته به خود را در جریان تقلبات انتخاباتی چهاردهمین دوره قانونگذاری ایران به مجلس بفرستند. در همین دوره بود که سید ضیاءالدین طباطبایی عامل کودتای انگلیسی سوم اسفند ۱۲۹۹، که از ۲۲ سال پیش از آن در خارج از ایران و از جمله ۱۹ سال در اروپا به سر می‌برد، به خواست انگلیسی‌ها به تهران بازگشت و به عنوان نماینده به مجلس چهاردهم راه یافت.

عاقبت وابستگی

با مروری بر نحوه برخورد رهبران سه قدرت جهانی در اجلاس تهران بخوبی می‌توان این



اهدای شمشیر پادشاه انگلیس به استالین



آلمان نیز گفت‌وگوهایی به عمل آمد. روزولت تنها راه مجازات آلمان را تجزیه این کشور عنوان کرد و چرچیل و استالین هم با این نظر مخالفت نکردند. با اینکه استالین پیشنهاد کنفدراسیونی کردن آلمان را رد می‌کرد و آن را تهدیدی علیه امنیت مرزهای شوروی می‌دانست ولی پیشنهاد تجزیه آلمان را به عنوان پایه مذاکرات پذیرفت. به موجب اسناد و مدارک محرمانه‌ای که بعداً درباره جریان مذاکرات نشست تهران منتشر شد استالین در این نشست موضوع منابع نفتی ایران و کشورهای ساحلی خلیج فارس را نیز مطرح کرد و خواستار توافقی درباره تقسیم این منابع در آینده شد. ولی چرچیل گفت که جهان باید به طور کلی در پایان جنگ مورد بررسی قرار بگیرد. اما بزرگترین موفقیتی که در نشست تهران نصیب استالین شد نزدیک شدن به روزولت و جلب اعتماد او بود که نتایج خود را در مدت باقیمانده جنگ و کنفرانس یالتا نشان داد.

اهدای شمشیر پادشاه انگلیس به استالین در حاشیه نشست تهران

در حاشیه نشست تهران، شمشیر معروف به شمشیر استالینگراد توسط چرچیل، به عنوان هدیه‌ای از سوی جورج ششم پادشاه وقت بریتانیا به منظور نشان دادن وحدت و یکپارچگی متفقین، به استالین اهدا شد. پادشاه بریتانیا به خاطر قدرانی از مقاومت و پیروزی نیروهای شوروی در برابر ارتش آلمان نازی در جبهه‌های جنگ استالینگراد این شمشیر را برای استالین هدیه فرستاد. بر لبه تیغه این شمشیر که به صورت سفارشی در انگلیس ساخته شد، این عبارت به دستور جورج ششم حک

چرچیل و روزولت و استالین در کنفرانس تهران

